شعر سرخپوستان آمریکا: زنده ام، زنده، می بینید؟

ناوارو اسکات مومادی

مترجم:کامبیز تشیعی

ناوارو اسکات مومادی (Navarro Scott Momaday) ،شاعر و نویسنده سرخپوست آمریکایی،به سال 1934 م.در اوکلاهما متولد شد.درجهء لیسانس در رشتهء علوم سیاسی را در سال 1958 و لیسانس ادبیات را در سال 1963 از دانشگاه استانفورد اخذ کرد. رمان خانه‏ای ساخت از طلوع او در سال 1968 برنده پولیترز شد. تاکنون دو مجموعهء شعر زوایای حدس و دست‏افشان را منتشر کرده‏ است.مومادی جایزهء ادبی مندلوی ایتالیا را در سال 1991 از آن‏ خود کرد.

نغمهء شادی

من یک قلم هستم،

بر آسمان درخشان

من اسبی آبی رنگم

که می‏تازد در دشت

من ماهی‏ای هستم

که می‏غلتد-نورانی-در آب

من سایه‏ای هستم

که در پی کودکی می‏دود

من روشنایی عصرم،

زیبایی کشتزارها

من عقابی هستم

بازی‏کننده با یادها

من خوشهء مرواریدی هستم،

تابناک

من دورترین ستاره‏ام،

سرمای سپیده دم،

کوبش بی‏وقفهء باران

من درخشش پوست یخ بستهء برفم

طول رد پای ماهم بر روی دریاچه

یک شعلهء چهار رنگم

آهویی هستم

که در غروب دور می‏شود

چراگاه و باغ سیب سفید هستم

من زاویهء کبکهای زمستانی‏ام،

گرسنگی یک گرگ جوانم

من رؤیای تمام این چیزها هستم

زنده‏ام،

زنده‏ام،

می‏بینید؟!

رابطه‏ام خوب است با زمین

رابطه‏ام خوب است با خدایان

رابطه‏ام خوب است با تمام زیباییها

زنده‏ام،

زنده‏ام،

می‏بینید؟!

طرحهای زمین

زمان برخوردمان را

در نظر می‏آرم

آنجا،میان طرحهای زمین.

بارها برخورد ما ادامه یافت

-پیوند سادهء تعریفها-

اشیاء زیبا

تمام اطراف را پر کرده بود

زیبایی ناب و طبیعی،

چون استخوان!

استخوان واقعی:

اسکلت یک مار،

کله‏های بز و گاو؛

و چه زیبا بودند،

در نور بی‏جان زمستانی!

می‏خواستم

در آنها خورشید را حس کنم

خورشید زمستانی دور،

خورشید خاکستری

و بعد،

آن روزها،

همین طوری

یک سنگ کوچک قهوه‏ای

هدیه‏ات کردم

با نوک انگشتان

آن را لمس کردی

و بی‏درنگ فهمیدی که زیباست.

بی‏درنگ دانستی،

این‏طور می‏شناختی طرحهای زمین را:

زمان طرحها را فشار می‏دهد

و آنها دور می‏شوند

زیبا هستند

و گونه‏گون و دور؛

در نوری که می‏میرد

و در سرمایی که می‏آید.